



## بررسی تطبیقی عناصر عامیانه در اشعار نیما یوشیج و عبدالرحمن شرفکندی (هه‌ژار)

هادی یوسفی<sup>I</sup>

استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور سنج

عهدیه امیری<sup>II</sup>

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور سنج

نوع مقاله: مقاله پژوهشی؛ تاریخ دریافت: ۵ خرداد ۱۳۹۸؛ تاریخ پذیرش: ۷ شهریور ۱۳۹۸؛ صص ۷۳-۹۳

### چکیده

یکی از بخش‌های ارزشمند و بنیادین در ادبیات ملل مختلف، فرهنگ عامه، دانش عوام یا همان فولکلور است که به شیوه‌های مختلف تبلور پیدا می‌کند. بازتاب عناصر فرهنگ عامه در شعر شاعران نمایانگر پیوند ناگسستنی شعر با مسائل فرهنگی و روزمره‌ی زندگی است. نیما و هه‌ژار از جمله شاعرانی هستند که از عناصر عامیانه تأثیر پذیرفته و در اشعار خود از آن بهره‌جسته‌اند. نوشتار حاضر که به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی در پی نشان‌دادن و تطبیق عناصر فرهنگ عامه در شعر دو شاعر مذکور است، تلاش کرده است که به سؤالات قابل طرح درباره‌ی شیوه و نوع کاربرد عناصر مذکور در شعر دو شاعر پاسخ دهد و شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود را نمایان کند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در شعر هه‌ژار بسامد عناصر عامیانه به دلیل نوع زندگی وی بیشتر از شعر نیما است، فراوانی عبارات، اصطلاحات و واژه‌های عامیانه در اشعار این دو شاعر، نسبت به سایر عناصر عامیانه‌ی مورد نظر بیشتر است.

### کورتیه

یه‌کی له به‌شه بنه‌مایی و به‌نرخه‌کانی ویتزه‌ی نه‌ته‌وه‌کان، فه‌ره‌نگ و زانستی فۆلکلۆره که به شیوازی جوراوجۆر خۆی ده‌نوینتی. ره‌نگدانه‌وه‌ی هۆکاره فۆلکلۆرییانه له هۆنراوه‌ی شاعیراندا پیشانده‌ری پیوه‌ندیکی چر و نه‌بری هۆنراوه له‌گه‌ل دیارده کۆمه‌لایه‌تییه‌کان و ژبانی روژانه‌یه. نیما و هه‌ژار له و تاومه شاعیرانه‌ن که هۆکاره فۆلکلۆرییه‌کان له سه‌ر هۆنراوه‌کانیان کاریگه‌ری بووه و له و بابه‌تانه که‌لکیان وه‌ر گرتووه. وتاری به‌رده‌ست به شیوازی به‌راوردکارانه‌شی کارانه هه‌ول‌ده‌دات هۆکاره فۆلکلۆرییه‌کان له هۆنراوه‌ی دوو شاعیری ناوبراودا پیشان بدات و له‌م بابه‌ته بکۆلئته‌وه. هه‌روه‌ها تی‌ده‌کۆشی بو پرسپاره‌کان له بابه‌تی شیوازی به‌کارهینانی ئەو هۆکارانه و خسته‌به‌رچاوی لیکچوون و جیاوازییه‌کان له هۆنراوه‌کانی ئەو دو شاعیره‌دا وه‌لام بداته‌وه. دوسکه‌وتوووه‌کان پیشان ده‌ده‌ن که به هۆی شیوازی و ره‌وتی ژبان، به کارهینانی هۆکاره فۆلکلۆرییه‌کان له شیعره‌ی هه‌ژاردا به‌فراوانتر له شیعره‌ی نیمایه. هه‌روه‌ها، ژماره‌ی ده‌سته‌واژه فۆلکلۆرییه‌کان له شیعره‌ی ئەو دو شاعیره‌دا زۆرتتر و به‌رچاوترن له دیکه‌ی هۆکاره فۆلکلۆرییه‌کان.

**واژه‌گان کلیدی:** ادبیات تطبیقی، فولکلور، عناصر عامیانه، نیما، هه‌ژار

**واژه سه‌ره‌کییه‌کان:** ئەده‌بی به‌راوردکارانه، فۆلکلۆر، هۆکاره فۆلکلۆرییه‌کان، نیما، هه‌ژار

**واژه‌گان کلیدی:** ادبیات تطبیقی، فولکلور، عناصر عامیانه، نیما، هه‌ژار

<sup>I</sup> dr.h.yousefi80@gmail.com

<sup>II</sup> ahdie.amiri94@gmail.com

## ۱- مقدمه

با توجه به این که «ادب تطبیقی از تحقیق در باب روابط و مناسبات بین ادبیات ملل و اقوام مختلف جهان» (زرین کوب، ۱۳۶۱: ۱۲۵) سخن به میان می‌آورد و شیوه و روش کار «ادبیات تطبیقی [البته در مکتب فرانسوی] بررسی روابط تاریخی ادبیات ملی [یک کشور] با ادبیات دیگر ملت‌هایی است که به زبانی غیر از زبان آن کشور نوشته شده است» (غنیمی هلال، ۱۳۹۳: ۷). پژوهش در این زمینه موجب ایجاد زمینه‌ی آشنایی ملت‌ها با تأثیر و تأثرهای ادبی و فرهنگی و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها با یکدیگر می‌شود. یکی از مباحث مهم در ادبیات تطبیقی، پژوهش در زمینه‌ی فرهنگ عامه است که نخستین بار رشید یاسمی آن را در سخنرانی اسفند ۱۳۱۴ خورشیدی به جای اصطلاح فولکلور به کار گرفت» (میهن‌دوست، ۱۳۸۰: ۵۷). اهمیت این موضوع بدین دلیل است که شناخت فرهنگ عامه به آشنایی با خلق و خو و چهره‌ی واقعی یک ملت کمک می‌کند و «فرهنگ عامیانه‌ی ایران، یا گنجینه‌ی گرانقدر فولکلور ملی، نیز از همین‌گونه افکار و آثار و الهامات روحی است که از ذوق و اندیشه‌ی بی‌سوادترین افراد سرچشمه گرفته و ذخایر گران‌بهایی را از اثرات فکری و اخلاق ملی و شاهکارهای هنری و ادبی مردم، تشکیل می‌دهد» (میرنیا، ۱۳۷۸: ۹). فرهنگ عامه خود در برگزیده‌ی عناصر و اجزایی همچون آداب و رسوم، اعتقادات، باورهای عامیانه، بازی‌ها، خرافات، ضرب‌المثل، کلمات عامیانه و از دست مفاهیم است.

پژوهش حاضر سعی دارد عناصر عامیانه را در شعر دو شاعر فارس و کرد زبان، نیما و هه‌ژار، مورد بحث و بررسی قرار دهد، انتخاب دو شاعر مذکور به دو دلیل صورت گرفته است: نخست یکسانی تقریبی شرایط زندگی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن دو در یک برهه‌ی زمانی خاص و دودگر بازتاب گسترده‌ی عناصر عامیانه در شعر آنان از لحاظ محتوا و مضمون و وجود همانندی‌ها و یکسانی‌هایی در این زمینه. در این پژوهش انواع عناصر عامیانه در اشعار دو شاعر، مشخص و پس از طبقه‌بندی، شباهت‌ها و تفاوت‌های عناصر عامیانه در شعر آنان، با استفاده از جدول و نمودار شرح داده شده است. تلاش اصلی نوشتار پاسخ به دو سؤال زیر است:

۱- میزان بازتاب عناصر عامیانه در اشعار نیما و هه‌ژار تا چه اندازه است؟

۲- شباهت‌ها و یکسانی‌های عناصر عامیانه در شعر دو شاعر کدامند؟

## ۲- پیشینه‌ی تحقیق

در سال‌های اخیر پژوهش‌هایی در زمینه‌ی عناصر عامیانه در اشعار نیما صورت گرفته است از جمله: پایان‌نامه‌ای با عنوان «بازتاب فولکلور در شعر معاصر نیما یوشیج، فروغ فرخزاد، اخوان ثالث و احمد شاملو» نوشته‌ی آقای حسن معقول. نویسنده تلاش کرده است که کلیات موضوع را، هرچند به صورت گسترده، تبیین کند و در پژوهش خود چهار شاعر معاصر را معرفی نماید و به بیان سرگذشت آنان و تبیین مأنوس بودنشان با فرهنگ عامه بپردازد و به بازتاب هریک از گونه‌های فولکلور در شعر این شاعران دست یابد. در رابطه با همین موضوع پایان‌نامه‌ی دیگری نیز با عنوان «بررسی تأثیر متقابل فرهنگ عامیانه و شعر معاصر با محوریت نیما، شهریار، نصرت رحمانی» نوشته شده است. نیلوفر حدادزاده، نویسنده‌ی این پایان‌نامه، لزوم فرهنگ عامه و میزان بازتاب آن را در شعر سه شاعر یادشده بررسی کرده است. وی در پایان به مقایسه‌ی بازتاب فرهنگ عامه در شعر این سه شاعر پرداخته است که مهمترین نتایج این مقایسه به این شرح است: نصرت رحمانی شاعری واقع‌گراست که عمدتاً به عناصر عامیانه‌ی شهری می‌پردازد. برخلاف نصرت، نیما با عناصر فرهنگ بومی روستایی سروکار دارد و رویکرد شهریار ترکیبی از دو دیدگاه یاد شده است. شهریار در اشعار فارسی فرهنگ عامه‌ی شهری و در اشعار ترکی خود به فرهنگ بومی و ادبیات شفاهی مردم آذربایجان توجه کرده است.

افزون بر دو پایان‌نامه‌ی مذکور، مقاله‌ای نیز با عنوان «فرهنگ عامه در اشعار نیما یوشیج» نوشته شده است. نویسنده در این مقاله عناصر عامیانه را در اشعار نیما، سرآمد شاعران نوپرداز، بررسی کرده و مواردی از امثال و حکم، مثل‌واره‌ها و باورهای عامیانه را در اشعار او نشان داده است. مقاله‌ی مذکور اگرچه از نظر عناصر مورد بحث شباهت‌هایی با نوشتار حاضر دارد، اما از لحاظ شیوه‌ی بررسی متفاوت از آن است. برای این قضیه دو دلیل وجود دارد: نخست عدم پرداختن به اشعار سنتی نیما که هم از لحاظ شیوه و هم از نظر فکری موقعیت مناسب‌تری برای بازتاب عناصر عامیانه در خود دارد و حجم قابل توجهی از اشعار نیما را به خود اختصاص داده است؛ دودیدگر محدودبودن نوع و تعداد عناصری که نویسنده‌ی مقاله از آن بهره گرفته است، در حالی که تنوع بیشتری در شعر نیما در زمینه‌ی کاربرد عناصر عامیانه مشاهده می‌شود. جواد یعقوبی بریجانی هم در سال ۱۳۹۶ کتابی با عنوان فرهنگ عامه (امثال) در اشعار نیما یوشیج نوشته است. همان‌طور که از عنوان کتاب مشخص است نویسنده تنها امثال موجود در آثار نیما را مورد بحث قرار داده است، نه تمامی عناصر مربوط به فرهنگ عامه.

عبدالرحمن شرفکندی (هه‌ژار) نیز همانند نیما یوشیج شاعری است که برای تبیین مضامین مورد نظر خود از عناصر عامیانه به صورت گسترده استفاده کرده و در اشعار کردی خود

به نوعی با همین مضامین با مخاطب خود ارتباط برقرار کرده است. با وجود این مسأله، بررسی صورت گرفته نشان می‌دهد تاکنون پژوهشی در خصوص عناصر عامیانه‌ی موجود در شعر هه‌ژار انجام نشده است؛ از این رو انجام این تحقیق که بیشتر در پی مشخص کردن عناصر عامیانه و تنوع آن در اشعار دو شاعر مورد نظر و دریافت زمینه‌های مشترک و یا تفاوت‌ها در شیوه‌ی به‌کارگیری این عناصر و زوایای دید دو شاعر است، ضرورت دارد.

### ۳- تعریف فولکلور (فرهنگ عامه) و دلایل اهمیت آن

در تعریف فرهنگ عامه گفته شده است: فرهنگ عامه به مجموع آداب و رسوم، عقاید، عادت‌ها، افسانه‌ها، حکایات، امثال و ترانه‌ها و اشعار عامیانه اطلاق می‌شود (رادفر، ۱۳۸۰: ۱۵۳). آنچه به عنوان «فرهنگ عامه»، «فرهنگ مردم» یا «دانش عوام» و واژه‌ها و ترکیبات متعدد مورد نظر است، معادل اصطلاح «فولکلور» است که در سال ۱۸۴۶ در نوشته‌های ویلیام تامس ذکر شده و به عنوان جامع‌ترین واژه‌هایی که به مطالعه‌ی زندگی علوم در کشورهای متمدن می‌پردازند، پذیرفته شده است (پناهی سمنانی، ۱۳۸۱: ۲). در تعریفی دیگر آمده است که: «فرهنگ عامه یکی از عناصر اصلی و بستر فرهنگی هر قوم و نژاد محسوب می‌شود و در برگزیده‌ی تمام دانش عام از جمله ادبیات شفاهی، اخلاق، پرسش‌های عامیانه، آداب و رسوم ملی، مذهبی، موسمی، ادواری، زندگی اجتماعی و معنوی و هزاران پدیده‌ی آشکار و پنهان است» (دوستی، ۱۳۸۶: ۲۴).

افزون بر این قضایا، برای فولکلور نقش مهمی همچون ایجاب تحول دانسته شده است؛ بدین گونه که «فولکلور رفتار، اعمال و ادبیات شفاهی جامعه‌ی «دیروز» را عرضه می‌دارد و وسیله‌ی رهنمودی ضروری و ارزنده برای شناخت این تحول است» (روح‌الامینی، ۱۳۸۳: ۲۶). به طور کلی می‌توان گفت که «از نظر جهانی فولکلور هر ملتی در حقیقت سفیر حسن نیت و مبشر دوستی و وداد آن ملت نزد سایر ملت‌ها می‌باشد. بهترین عامل مؤثری است که ملت‌ها را به هم می‌پیوندد و با هم آشنا و نزدیک می‌سازد» (شریفی گلپایگانی، ۱۳۷۶: ۸). موارد مطرح شده در سطور پیشین بیانگر اختلاف دیدگاه افراد در تعریف و طبقه‌بندی فولکلور است؛ از این رو در این مقاله هفت دسته از عناصر عامیانه که تقریباً درباره‌ی آن‌ها اتفاق نظر وجود دارد، لحاظ شده است. این هفت دسته عبارتند از: آداب و رسوم، اعتقاد و باورها، اعیاد و جشن‌ها، افسانه‌ها، امثال و حکم، جمله‌ها و واژه‌های عامیانه و کنایه‌ها. شایان ذکر است که برای بررسی موارد مذکور دیوان دو شاعر به شیوه‌ی استقرای تام، مطالعه و عناصر عامیانه استخراج شده

است که در قسمت جداول به تفکیک میزان بازتاب عناصر مذکور مشخص و براساس آن نتیجه‌گیری شده است.

### ۴- دلایل شباهت شعر نیما و هه‌ژار در بهره‌گیری از فرهنگ عامه

نوع و شیوه‌ی زندگی دو شاعر طوری بوده است که علاقه‌ی فراوانی به زندگی روستایی داشتند. هه‌ژار بخش عمده‌ی زندگی خود را در پی تحصیل به عنوان طلبه در روستاها سپری کرده است و نیما نیز علی‌رغم زندگی در شهر، همواره از زندگی روستایی یاد می‌کند: «کاش بودم باز دور از هر کسی / چادری و گوسفندی و سگی». هر دو شاعر از شعرای دوره‌ی مشروطیت هستند که در آن توجه به زندگی و ادبیات عامه رونق قابل توجهی پیدا کرد و نیما و هه‌ژار نیز از این قاعده مستثنی نبوده و تحت تأثیر فضای به وجود آمده در این مسیر گام نهادند و به تناسب مکان، زمان و مخاطب اشعاری سرودند که عناصر عامیانه در آن نمود و بروزی چشمگیر دارد. از دغدغه‌های دو شاعر می‌توان به این مورد اشاره کرد که هر دو شاعر برای ارتباط با مردم و القای افکار و اندیشه‌های خود به آنان از طریق بهره‌گیری از عناصر زندگی و ادبیات عامه تلاش کرده‌اند.

### ۵- بحث و بررسی

در ادامه‌ی این نوشتار انواع عناصر عامیانه‌ی به کار رفته در اشعار نیما و هه‌ژار در قالب بیان اشتراکات و اختلاف‌های کاربرد عناصر عامیانه در شعر آن‌ها- که نشان‌دهنده‌ی نوع نگاه دو شاعر به زندگی، میزان آشنایی آن دو با ادب شفاهی، آداب و رسوم می‌باشد- با ارائه‌ی شواهد و مصداق‌ها مورد بحث قرار خواهد گرفت. بررسی اشعار دو شاعر نشان می‌دهد که هر دو شاعر در به‌کارگیری هفت نوع از عناصر عامیانه از جمله آداب و رسوم، اعتقادات و باورها، اعیاد و جشن‌ها، افسانه‌ها، امثال و حکم، جمله‌ها و واژه‌های عامیانه و کنایه‌ها اشتراک دارند که برای جلوگیری از اطاله‌ی کلام از ذکر تمامی موارد مشترک خودداری می‌شود و فقط به تناسب موضوع نمونه‌هایی ذکر خواهد شد. هدف اصلی نوشتار پرداختن به مباحثی است که نشان اختلاف بین دو شاعر در به کار بردن عناصر عامیانه است که بیشتر مربوط به تعداد و مضمون و محتوای عناصر عامیانه در شعر دو شاعر است که به آن‌ها اشاره خواهد شد.

## ۵-۱- آداب و رسوم

آداب و رسوم به شیوه‌ی زندگی و عادت‌های خاص مردم یک ملت گفته می‌شود که موجب تمایز یک ملت از ملت‌های دیگر می‌شود؛ به عبارت دیگر آداب و رسوم همان «قاعده‌ها، رسم‌ها و آیین‌های پذیرفته شده در جامعه است» (صدری‌افشار، ۱۳۸۱: ۱۸). از نظر بسامد اشاره به آداب و رسوم، در شعر نیما (۷ مورد) و در شعر هه‌ژار (۵۳ مورد) است، این تعداد نشان می‌دهد که هه‌ژار توجه بیشتری به آداب و رسوم زمان خود داشته است. او حتی در اشعار خود به آداب مربوط به مذهب نیز اشاره کرده است. مواردی از آداب و رسوم در شعر نیما و هه‌ژار که با هم تفاوت دارند، عبارتند از:

**الف. آیین‌بندان:** «آذین‌بندی، سر برج و باروی شهر و بالای سر دروازه‌هاشان را آیین‌بندان کرده بودند و قالی آویخته بودند» (نجفی، ۱۳۸۷: ۴۴).

**آیین‌بند** این فسانه نغز اوست کز پوست گشاید مغز  
(نیما یوشیج، ۱۳۹۳: ۲۵۷)

**ب. خانه‌تکانی:** «خانه‌تکانی به معنی تمیز کردن خانه و اثاثیه آن به صورت اساسی و عمیق که معمولاً هر سال یکبار نزدیک نوروز انجام گیرد» (جمالزاده، ۱۳۸۲: ۲۱۷).

جوی می‌خواند در دره خموش  
بام آلوده، صبحی همبر،  
گویا خانه‌تکانی نهان  
ریخته بر سر او خاکستر  
(نیما یوشیج، ۱۳۹۳: ۶۴۰)

**پ. گشاده‌رویی با مهمان:** مهمان‌نوازی و خوش‌برخوردی با مهمان:

**روی ترش داری با چاکرانت؟**  
هیچ کس از مهمان نرسیده دل مبریده،  
گرچه از وی نابجایی دیده یا روزی جفایی یافته، زشتی شنیده  
هر که می‌گوید: گرامی داشت باید میهمان را (۳۷۱).

**ت. ته‌شی رستن:** «دوک ریسی» (هه‌ژار، ۱۳۸۴: ۱۶۴)

## بررسی تطبیقی عناصر عامیانه در اشعار نیما یوشیج و عبدالرحمن شرفکندی | ۷۹

شیرنیک لیره به ناز ته شییه کی رست شیرنیکۆکه نه که ی له بره و خست  
(ههژار، ۱۳۹۲: ۱۲۵)

ترجمه: زن زیبایی این جا با ناز دوک ریزی می کرد و شیرین کوه کن [فرهاد] را از پا درآورد.

ث. جیژنانه: «عیدی» (ههژار، ۱۳۸۴: ۱۹۲)

عیدی دادن از آداب و رسوم است. «هدیه‌ای که بزرگان به مناسبت عید به زبردستان و کوچکترها  
می دهند» (صدری افشار، ۱۳۸۱: ۹۰۹)

یه ک له باوکی ئه سینئی جیژنانه زۆر که سی رهش هه یه له بهر باران  
(ههژار، ۱۳۹۲: ۱۸۶)

ترجمه: فرزندی از پدرش عیدی می گیرد و تعداد دیگری تهیدست در زیر بارانند.

ج. عروسی: «مراسمی به ویژه (جشن و مهمانی) که به مناسبت ازدواج زن و مردی برپا  
می شود» (صدری افشار، ۱۳۸۱: ۸۹۳). در زبان کردی بدان **زهماوند** می گویند: «شادی،  
عروسی» (خال، ۱۳۶۶: ۲۳۱)

پازاوهی رهنگی خوا کردن لهو سه ره زهماوند گرتن  
(ههژار، ۱۳۹۲: ۳۸)

ترجمه: به زیبایی رنگ‌های خداوندی آراستن و در آن بالا [دست] عروسی برپاست.

چ. نازیهت باری: عزاداری، «اقامه‌ی مراسم عزاء، سوگواری» (معین، ۱۳۸۶: ۱۰۶۳)

شهوه نیوه شهو، دنیا خامۆشه وهک ئازیه تباران زهوی ره شپۆشه  
(ههژار، ۱۳۹۲: ۵۵)

ترجمه: نیمه شب است و دنیا خاموش و [جهان] همچون عزاداران، سیاه پوش است.

ح. مانگی مبارهک: ماه مبارک، ماه رمضان: «رمضان ماه نهم سال هجری قمری، ماه روزه‌ی  
مسلمانان» (معین، ۱۳۸۶: ۶۷۱)

شابان بو سه فه ر گرتی ته دارهک لییم وه ژوور کهوت مانگی مبارهک  
(ههژار، ۱۳۹۲: ۳۱۷)

ترجمه: ماه شعبان آماده‌ی سفر شد و ماه رمضان بر من وارد شد.

## ۵-۲- اعتقاد و باورها

عقاید و باورهای مردم ریشه‌ی دیرینه دارند و این باورها از خرافه‌پرستی سرچشمه می‌گیرند، خرافه به این معنا است: «عمل یا اعتقاد ناشی از نادانی، ترس از ناشناخته‌ها، ایمان به جادو و بخت، یا درک نادرست از علت‌ها و معلول‌ها» (صدری افشار، ۱۳۸۱: ۵۲۶). تعداد اعتقادات و باورها در شعر نیما (۷۴ مورد) و در شعر هه‌ژار (۳۳ مورد) است. نیما توجه بیشتری به اعتقادات و باورهای زمانه‌ی خود داشته است و علی‌رغم اشتراکاتی چون اعتقاد به تقدیر، جادو و جنبل، چشم‌زخم و ... در موارد زیر با هه‌ژار از نظر محتوا و مضمون متفاوت است:

**الف. تار عنکبوت:** در گذشته اعتقاد بر این بوده است که تار عنکبوت بستن نشانه‌ی خوبی نیست.

دیدم بر گذر که باری شکسته است      طاقی که عنکبوت بر آن تار بسته است  
(نیما یوشیج، ۱۳۹۳: ۱۸۴)

**ب. تعویذ:** «دعایی که نوشته به گردن یا بازو بندند تا دفع چشم‌زخم و بلا کند؛ بازوبند، چشم‌بند» (معین، ۱۳۸۶: ۴۶۶).

لیک از سحری که با من بود و تعویذی      بسته بر بازوی من مادر  
(نیما یوشیج، ۱۳۹۳: ۴۶۴)

**پ. جغد:** «پرواز اسرارآمیز شبانه‌ی جغد و صوت دل‌خراش و جیغ‌آور و شیون‌آسای آن از قدیم‌الایام بین همه‌ی مردم منشأ خرافات بوده است و این پرنده‌ی مفید را نامیمون و وحشت‌انگیز و نامش را قرین ویرانه ساخته است» (مصاحب، ۱۳۸۱: ۷۴۱).

تا دید دید هرچه غم آلوده و عبوس      جغدی نشسته بر زیر بام و در فسوس  
(نیما یوشیج، ۱۳۹۳: ۱۸۱)

**ت. خاریدن دست:** «دست می‌خارد به این معنی است که پول به دست می‌آید، چون دست کسی خارد آن را به فال نیک می‌گیرند و به رسیدن به مالی دلیل کنند» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۸۷۰).

دست می‌خارد یعنی بی‌زحمت روز      در درون شب سود  
(نیما یوشیج، ۱۳۹۳: ۶۷۲)



ث. دور باد: به معنی دور باد از جان تو و «دور از جان عبارت دعایی دال بر نگرانی از احتمال وقوع امری و آرزوی روی ندادن آن» (نجفی، ۱۳۸۷: ۷۱۷).

گفتم ای روشنی چشم جهان دور بادی ز چشم زخم زمان  
(نیما یوشیج، ۱۳۹۳: ۲۸۷)

ج. مژه جنبیدن: در فرهنگ عامه مژه جنبیدن بر رسیدن خبر خوش دلالت دارد.

مژه می جنبدش از جا رفته

و جدای از هم آور نگهش،

سوی دنیا رفته (۶۹۴)

در شعر هه‌ژار نیز با نمونه‌هایی از این دسته روبه‌رو می‌شویم:

چ. چاوه‌زار: «چشم زخم»:

سه‌یدوه‌که‌ی سه‌ر گولینگه‌دار ئه‌سپه‌ن‌ده‌ر نووشته‌ی چاوه‌زار  
(هه‌ژار، ۱۳۹۲: ۳۹)

ح. قه‌زا و قه‌ده‌ر: سرنوشت و حکم خداوندی:

قه‌زا و قه‌ده‌ر وای داناوه له‌ناو چاوانتان‌نوسراوه  
(۱۹۲)

خ. چاره‌نووس: سرنوشت:

خوا وای نویسوه له‌چاره‌م من پیاده‌ی ئه‌وئاغا‌سواره‌م  
(۲۰۳)

د. اشباح: «جمع شبخ، تنها، کالبدها، سایه‌ها، سیاهی که از دور دیده می‌شود» (معین، ۱۳۸۶: ۱۵۶).

در نشیب دره‌ها، پر از صفوف سرنگون اشباح. (نیما یوشیج، ۱۳۹۳: ۴۰۰)

ذ. غول: «نوعی موجود افسانه‌ای که در بیابان‌هاست و پنهان می‌شود که غول اصلا از موجودات افسانه‌ای اعراب است و نیز به‌عنوان لقب به پهلوانان و جاهلان تنومند داده می‌شود» (جمالزاده، ۱۳۸۲: ۳۹۸).

ور مرا پی‌رزن روستایی **غول** خواند کز آدم فراری  
(نیما یوشیج، ۱۳۹۳: ۵۷)

ر. **مرغ آمین**: «مرغی افسانه‌ای که می‌گویند هرگاه کسی دعا یا نفرین کند و در آن هنگام مرغ آمین در پرواز باشد. آن دعا یا نفرین بی‌درنگ به اجابت خواهد پیوست» (شاملو، ۱۳۷۷: ۶۵۱).

در خیال استجابتهای روزان

**مرغ آمین** را بدان نامی که او را هست می‌خوانند مردم. (نیما یوشیج، ۱۳۹۳: ۷۴۳)

ز. **مرغ بی‌وقت خوان**: «مرغ بی‌وقت خوان را سر ببرند» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۵۲۶). در فرهنگ عامه مرغی که بی‌وقت بخواند، نشان بدی دارد و آن را سر می‌برند:

باد اندر چراغدان افتاد **مرغ اگر خواند**، از زبان افتاد  
(نیما یوشیج، ۱۳۹۳: ۲۹۲)

ژ. **مرغ شباویز**: مرغ حق «چرک که شب‌ها خود را از یک پای آویزد و حق، حق می‌گوید تا قطره‌ی خون از گلوئی وی بچکد» (نفیسی، ۱۳۵۵: ۳۲۶۳).

به شب آویخته **مرغ شباویز** مدامش کار رنج افزاست، چرخیدن  
(نیما یوشیج، ۱۳۹۳: ۷۳۹)

س. **هیولا**: «هیولا آن که دارای هیکل بسیار بزرگ و رعب‌انگیز باشد: غول» (نجفی، ۱۳۸۷: ۱۵۰۱).

تو نبودی مگر آن **هیولا**، آن سیاه مهیب شر بار  
(نیما یوشیج، ۱۳۹۳: ۵۳)

موجودات ماورایی گرچه در شعر هه‌ژار به نسبت شعر نیما بسیار کم دیده می‌شود، اما به تناسب موضوع گاهی به چنین مواردی اشاره می‌کند:

ش. **په‌ری**: «پری در اعتقاد عوام موجودی است لطیف و بسیار نازک که اصلش از آتش است، با چشم دیده نمی‌شود و به واسطه‌ی زیبایی فوق‌العاده، آدمی را می‌فریبید، پری برعکس دیو، اغلب نیکوکار و جذاب است» (یاحق‌ی، ۱۳۶۹: ۱۴۲).  
به تعریفی دیگر: «پری به معنی مطلق جن و در عرف حال نوعی از زنان جن که نهایت خوبرو باشند» (محسنی، ۱۳۸۶: ۱۴۲).

گولی دین له نیو سه‌وزه‌ی به‌ه‌ارا هه‌مووی وه‌ک پهری له له‌نجه و لارا  
(هه‌ژار، ۱۳۹۲: ۱۲)

ترجمه: گروهی در میان سبزه‌های بهاری می‌آیند که همگی همچون پریان [زیبارو] در حال  
خرامیدند.

ص. جن: «جن به معنای موجود متوهم و غیرمرئی» (معین، ۱۳۸۶: ۵۳۹).

گوتیان کوری جن و دیوی چه‌ته‌ی دزی سه‌ری‌وی  
(هه‌ژار، ۱۳۹۲: ۱۸۱)

ترجمه: گفتند فرزند جن و دیوی و راهزن و دزد و نافرمانی.

ض. په‌تیاره: «پتیاره در پهلوی پتیارک به معنی مخالفت و بغضاء و ستیز و خصوصا مخلوقات  
اهریمنی که برای تباہ کردن آفریدگان اهورامزدا پدید آمده‌اند و اصل اوستایی آن پئی‌تیار»  
(دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل پتیاره).

ئاواره له ده‌شت، په‌تیاره له کیو ده‌وریان ته‌نیوووم جن و خیو و دیو  
(هه‌ژار، ۱۳۹۲: ۳۴۳)

#### ط. دیو:

تازه زرده دابووی له کیو هاره‌ی ده‌هات وه‌ک هاره‌ی دیو  
(۱۵۷)

ترجمه: تازه خورشید بالا آمده و در قلعه‌ی کوه طلوع کرده بود و صدای [باد] مثل صدای دیو به  
گوش می‌رسید.

ظ. کوتری ناشتی: «کبوتر آشتی» (هه‌ژار، ۱۳۸۴: ۶۲۴). کبوتر در فرهنگ عامه نماد صلح  
و آشتی است.

گه‌زه‌نفون و شیردل ده‌دهن شاهیدیم که شیری شهر و کوتری ناشتیم  
(هه‌ژار، ۱۳۹۲: ۳۶)

ترجمه: گزنفون و شیردل (پر دل) گواه من هستند که هم جنگجوی میدانم و هم کبوتر آشتی.

### ۵-۳- اعیاد و جشن‌ها

اعیاد جمع عید و به معنای «روز مبارکی که در آن مردم جشن می‌گیرند و شادی می‌کنند؛ روز جشن» (معین، ۱۳۸۶: ۱۱۰۱). تعداد اعیاد و جشن‌ها در شعر نیما (۳ مورد) و در شعر هه‌ژار (۱۹ مورد) است. نیما در اشعارش به اعیاد و جشن‌ها توجه کمتری نشان داده است و چند اشاره کوتاه به عید نوروز دارد، اما هه‌ژار بارها به عید نوروز و همچنین عید فطر اشاره کرده است، به‌عنوان مثال:

**الف. عیده سه‌عیده:** عید فطر، «عید مسلمانان برابر با روز اول ماه شوال به مناسبت پایان یافتن ماه رمضان» (صدری‌افشار، ۱۳۸۱: ۹۰۹).

عهرزی ته‌بریکم له‌و عیده‌ت هه‌یه      شاییم به‌و رۆژه سه‌عیده‌ت هه‌یه  
(هه‌ژار، ۱۳۹۲: ۳۱۸)

ترجمه: عید [خجسته فطر] را تبریک عرض می‌کنم و از این روز سعید و فرخنده شادم.

### ۵-۴- افسانه‌ها

تعداد افسانه‌ها در شعر نیما (۴ - ۰/۵۵٪) و در شعر هه‌ژار (۲۸ - ۳/۸۰٪) است که تعداد آن در شعر هه‌ژار بیشتر است. این امر نشان از توجه او به افسانه‌ها و آداب گذشتگان است. از جمله‌ی این موارد اشاره به شخصیت‌های شاهنامه‌ی فردوسی است که بسامد فراوانی دارد:

**الف. رۆسته‌م:** «رستم بزرگ‌ترین پهلوان داستان‌های حماسی و ملی ایران. او پهلوانی افسانه‌ای است» (مصاحب، ۱۳۸۱: ۱۵۸۱).

وینه‌ی رۆسته‌می زه‌مان بوو      زال بوو، سامی نه‌ریمان بوو  
(هه‌ژار، ۱۳۹۲: ۳۳۶)

ترجمه: مانند رستم، رستم زمان بود، زال بود و سام نریمان بود.

**ب. زال:** «در داستان‌های ملی ایران، پسر سام و پدر رستم. چون سپیدموی از مادر زاده شد، سام او را ناخوش داشت و به کوه البرز افکند، اما سیمرغ که برای شکار به پرواز درآمده بود، او را بدید و برداشت و پرورد و سرانجام به سام بازگرداند» (مصاحب، ۱۳۸۱: ۱۱۶۵).

ماد و که‌یانی زوو منم      زال و گئو و برزوو منم  
(هه‌ژار، ۱۳۹۲: ۱۸۰)

ترجمه: ماد و کیانی پیشین [قدیمی] منم و زال و گیو و برزو [پهلوان] منم.

پ. **ههژدیها:** اژدها، «در اساطیر، جانور شگفت‌پیکری که هم خرنده و هم پرنده است و عموماً بال‌های عقاب، چنگال‌های شیر، دم مار، دم‌آتشین. چنین مخلوقی در افسانه‌های غالب ملت‌ها و اقوام جهان از دوره‌ی پادشاهی باستانی بابل دیده می‌شود» (مصاحب، ۱۳۸۱: ۱۱۶).

«کۆشکی زارا» که به خال نه‌خشاوه «ههژدیهای نه‌مر» ی له داوین ماوه؟  
(ههژار، ۱۳۹۲: ۱۴۴)

ترجمه: هنوز نقش «اژدهای زنده» بر دامن «قلعه زهرا» که به زیبایی آراسته شده است باقی مانده است.

#### ۵-۵- امثال و حکم

تعداد امثال و حکم در شعر نیما (۵۵ بار) و در شعر ههژار (۳۹ بار) آمده است که نشان دهنده‌ی تعداد بیشتر این نوع در شعر نیماست. شیوه و نوع مثل‌ها نیز در شعر دو شاعر متفاوت است. نیما لحنی به مراتب نرم‌تر دارد، اما ههژار برعکس و این امر می‌تواند بیانگر بی‌اعتمادی و ناراضیتی از شرایط زمانه در اشعار باشد. نمونه‌هایی از امثال و حکم مورد استفاده در اشعار آن‌ها:

الف. «آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم» (شاملو، ۱۳۷۷: ۲۱).

این به پا خسته آن به جان رفته آب در جوی و بوستان رفته  
(نیما یوشیج، ۱۳۹۳: ۲۸۷)

ب. **آهن سرد کوبیدن:** «بر سر چیزی که اثر نمی‌پذیرد خود را فرسودن، بر سر کاری بی‌نتیجه رنج بیهوده کشیدن» (شاملو، ۱۳۷۷: ۷۵۱).

آهنم سرد بود هیچ نتفت دوست گرمی ز من گرفت و برفت  
(نیما یوشیج، ۱۳۹۳: ۳۰۶)

پ. **دل شکستن هنر نمی‌باشد:** «اشاره بر خودداری از مردم‌آزاری و زنجاندن دیگران است». (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۴۹).

بشکستی دل‌ها مگر شاد شود اما دلت از شکست ما شاد نشد  
(نیما یوشیج، ۱۳۹۳: ۸۱۹)

ت. «فکر نان کن خربزه آب است» (شکورزاده، ۱۳۷۲: ۵۳۴).

این همه حرف است. حرف کی شد نان / تا رهند جان؟ (نیما یوشیج، ۱۳۹۳: ۱۲۶).

ث. ناگره سووره له من دووره: «کسی که خود را از زحمتی دور نگه دارد» (محمدی، ۱۳۹۳: ۱۳۱).

ئاگر سووره له خوّم دووره مهسه له ییکی مهنشووره  
(ههژار، ۱۳۹۲: ۱۶۴)

ترجمه: آتش سرخ [رنج و اندوه و حوادث] از من دور است، یک مثل مشهور است.  
ج. «چوو بو ریش، سمیلیشی نیا بانی: آمد کار را درست کند آن را بدتر کرد» (محمدی، ۱۳۹۳: ۱۵۸).

به هه‌وای کورسی کوردایه تیم کرد بو ریش ئه گه رام سمیلیم دانا  
(ههژار، ۱۳۹۲: ۱۷۱)

ترجمه: به هوای موقعیت، تلاش کردم، برای ریش می‌گشتم، سبیلیم را هم از دست دادم (به جای سود، ضرر کردم).

چ. «خه یال خام ئه که ی: خیال باطل می‌کنی» (محمدی، ۱۳۹۳: ۱۱۱).

خه یال جیی نان ناگری شیر به ریوی ناخوری  
(ههژار، ۱۳۹۲: ۲۳۶)

ترجمه: خیال جای نان را نمی‌گیرد (خیال باطل نکن)، روباه هیچ وقت نمی‌تواند شیر را بخورد.  
ح. «که ره مه مره به هاره، چوزه ی که ما دیاره: بزک نمیر بهار می‌آید، خربزه با خیار می‌آید» (پارسا، ۱۳۹۴: ۱۲۸).

مهسه لیک هه یه ده یلین، تو بیژه به هتار به هه شتی نیره گوید ریژه  
(ههژار، ۱۳۹۲: ۱۹۸)

ترجمه: مثلی هست که می‌گوید: بزک نمیر بهار می‌آید خربزه با خیار می‌آید.

## ۵-۶- جمله‌ها و واژه‌های عامیانه

تعداد جمله‌ها و واژه‌های عامیانه در شعر نیما (۱۰۷ مورد) و در شعر ههژار (۲۰۱ مورد) است که تعداد آن در شعر ههژار بیشتر است و این نشان از توجه ههژار به سخنان و زندگی عامه‌ی

مردم است. صرف نظر از اشتراکاتی که قبلاً گفته شد جمله‌ها و واژه‌هایی متفاوت در اشعار دو شاعر قابل رؤیت است که به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

**الف. آتشپاره:** «شخصی بسیار پر جنب و جوش و پرتحرک و ناآرام که بدین سبب گاهی هم موجب آزار دیگران می‌شود» (نجفی، ۱۳۸۷: ۱۸).

هرچه کرد این عشق آتشپاره کرد عشق را بازیچه نتوان فرض کرد  
(هه‌ژار، ۱۳۹۲: ۱۹۸)

**ب. اجاق کور:** «بی‌فرزند» (نجفی، ۱۳۸۷: ۴۹)

او شریک و هم‌نفس با مردمی دیگر شود/ آخر دیگرم از او نخواهد گشت اجاق تیره روشن (نیما یوشیج، ۱۳۹۳: ۳۷۱).

**پ. چشم سفید:** «بی‌حیا و بی‌شرم، وقیح و گستاخ» (نجفی، ۱۳۸۷: ۴۲۸).

دیگر از جلوه‌ی رویش چه سخن شاید کرد لب بدگوی چه سان بستن و چشمان سفید  
(نیما یوشیج، ۱۳۹۳: ۸۸۷)

**ت. تووش هاتن:** «روبه‌رو شدن، گرفتار شدن» (هه‌ژار، ۱۳۸۴: ۱۵۴).

سه‌ربه‌خو که و تمه شوین ئاواتم دوور له تو تووشی نه‌هاتی هاتم  
(هه‌ژار، ۱۳۹۲: ۱۳۶)

ترجمه: نابخردانه به دنبال آرزوهایم رفتم و دور از جان شما گرفتار بدبختی شدم.

**ث. دلته‌زین:** «دل سست شدن» (هه‌ژار، ۱۳۸۴: ۲۹۴).

من بولبولم له ناله‌دا به‌زاندن گهرم گوریی دلّم، دلّی‌ته‌زاندن  
(هه‌ژار، ۱۳۹۲: ۲۰۰)

ترجمه: من بلبل را در نالیدن مقهور کردم و گرمای درونم، دل آنان را به لرزه انداخت.

**ج. یادی خیر بی:** «ذکر و یاد کسی در غیابش» به خیر باشد (هه‌ژار، ۱۳۸۴: ۱۰۲۶).

ماله‌که‌م یادی جوانی خیر بی هه‌رکه‌سی ئه‌منی له تو کرد کویر بی  
(هه‌ژار، ۱۳۹۲: ۱۲۳)

ترجمه: ای [معشوق] ای زندگی من، یاد جوانی [و با تو بودن] به خیر، [و خدا کند] هر کس که من را از تو جدا کرد، کور شود.

۵-۷- کنایه‌ها

تعداد کنایه‌ها در شعر نیما (۴۷ مورد) و در شعر هه‌ژار (۶۴ مورد) است که تعداد آن در شعر هه‌ژار بیشتر است. لحن شعر هه‌ژار- همان‌طور که قبلاً گفته شد- در استفاده از کنایه‌ها تندتر و بی‌پروا تر است. در زیر به نمونه‌هایی از شعر دو شاعر اشاره می‌شود:

الف. **آب از آب تکان نمی‌خورد:** «کنایه از ثبات و آرامش باشد» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۳).  
نگرفته است **آبی از آبی تکان** و لیک «مازو»ی پیر کرده سر از رخنه‌ای به در (نیما یوشیج، ۱۳۹۳: ۶۸۲).

ب. **دل سنگ آب شدن:** کنایه از «بسیار حزن‌انگیز بودن» (انوری، ۱۳۸۳: ۶۶۴).

سیل سرشک خونین از چشم او نثار می‌کرد در **درون دل سنگ هم اثر**  
(نیما یوشیج، ۱۳۹۳: ۳۵۸)

پ. **موی بر اندام راست شدن یا سوزن شدن:** «کنایه از سخت ترسیدن» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۷۵۷).

اضطراب او، بیشتر گردید **بر تن او موی،** بیشتر گردید  
(نیما یوشیج، ۱۳۹۳: ۱۳۶)

ت. **دز به شهو دزه نهو به نیوه‌رۆ:** «کنایه از کسی است که روز روشن به دزدی می‌رود» (پارسا، ۱۳۹۴: ۱۱۴).

فیل له خوا ئه‌کا؟ نه‌خیر له من و تو **دز به شهو دزه،** ئه‌م به نیوه‌رۆ  
(هه‌ژار، ۱۳۹۲: ۱۶۲)

ترجمه: خدا را فریب می‌دهد؟ خیر، ما را می‌فریبید؛ دزد شب‌هنگام به دزدی می‌رود، اما این [دزد گستاخ و بی‌پروا] در روز [روشن].

ث. **سه‌رم سوور ماوه:** «کنایه از متعجب و شگفت‌زده شدن» (احمدی، ۱۳۹۳: ۲۸۹).

ئه‌مه یانی چی؟ **سه‌رم سوور ماوه** پیروت گیان تا که‌ی خه‌یالت خاوه؟  
(هه‌ژار، ۱۳۹۲: ۱۹۷)

ترجمه: این یعنی چی؟ متعجب و شگفت‌زده شده‌ام، پیروت جان تا کی خیالت خام است؟ یا خیال بیهوده می‌کنی؟

ج. **نانبراو بوون:** «کنایه از باعث قطع درآمد شدن» (هه‌ژار، ۱۳۸۴: ۸۵۷).



## بررسی تطبیقی عناصر عامیانه در اشعار نیما یوشیج و عبدالرحمن شرفکندی ۸۹

هاتن فیرمانکهن چۆن مه‌ده‌نی بین چۆن نانبراووی ده‌ستی ده‌نی بین  
(هه‌ژار، ۱۳۹۲: ۱۹۷)

ترجمه: آمدند که به ما مدنیت بیاموزند که چگونه به دست انسان‌های پست از هستی ساقط شویم.

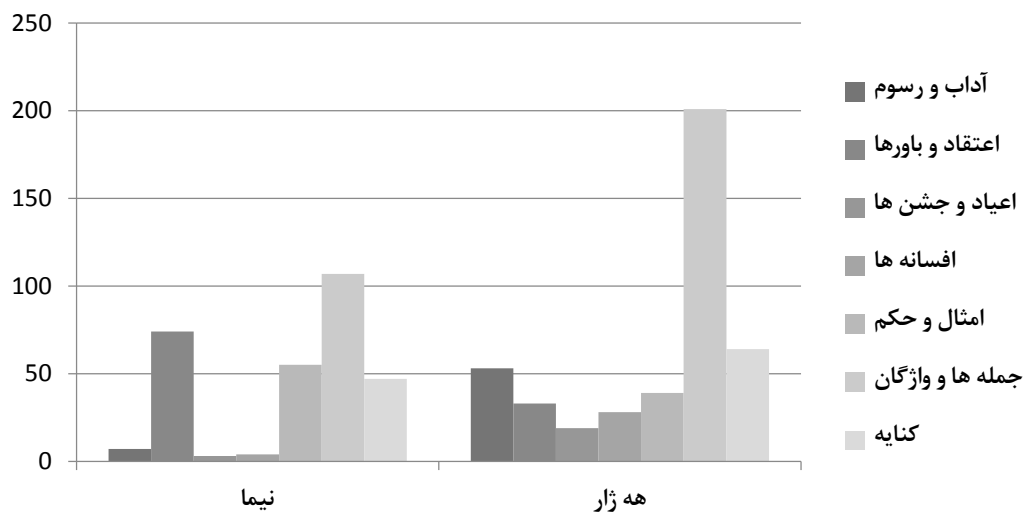
با توجه به موارد فوق و بر مبنای جدولی که در سطور ذیل ترسیم شده است، تعداد کل عناصر عامیانه در اشعار دو شاعر ۷۳۴ مورد است که به ترتیب در شعر هه‌ژار (۴۳۷ مورد معادل ۵۹/۵۴٪ درصد) و در شعر نیما (۲۹۷ مورد معادل ۴۰/۴۶٪ درصد) مورد استفاده قرار گرفته است. این فراوانی نشان می‌دهد هه‌ژار شاعری است که تمایل بیشتری به عناصر عامیانه داشته و در راستای قابل فهم کردن شعر خود از آن‌ها بهره برده است.

| عناصر عامیانه |              |                 |                |              |               |                         |                |                |
|---------------|--------------|-----------------|----------------|--------------|---------------|-------------------------|----------------|----------------|
| شاعران        | آداب و رسوم  | اعتقاد و باورها | اعیاد و جشن‌ها | افسانه‌ها    | امثال و حکم   | جمله و واژه‌های عامیانه | کنایه‌ها       | جمع کل درصد    |
| نیما          | ۷-<br>%۰/۹۵  | ۷۴-<br>%۱۰/۰۷   | ۳-<br>%۰/۴۱    | ۴-<br>%۰/۵۵  | ۵۵-<br>%۷/۴۹  | ۱۰۷-<br>%۱۴/۵۸          | ۴۷-<br>%۶/۴۱   | ۲۹۷-<br>%۴۰/۴۶ |
| هه‌ژار        | ۵۳-<br>%۷/۲۲ | ۳۳-<br>%۴/۵۰    | ۱۹-<br>%۲/۵۸   | ۲۸-<br>%۳/۸۰ | ۳۹-<br>%۵/۳۱  | ۲۰۱-<br>%۲۷/۳۸          | ۶۴-<br>%۸/۷۱   | ۴۳۷-<br>%۵۹/۵۴ |
| جمع کل/ درصد  | ۶۰-<br>%۸/۱۷ | ۱۰۷-<br>%۱۴/۵۷  | ۲۲-<br>%۲/۹۹   | ۳۲-<br>%۴/۳۵ | ۹۴-<br>%۱۲/۸۰ | ۳۰۸-<br>%۴۱/۹۶          | ۱۱۱-<br>%۱۵/۱۲ | ۷۳۴-<br>%۱۰۰   |

### جدول عناصر عامیانه در اشعار نیما و هه‌ژار

جدول فوق نشان می‌دهد که در میان عناصر عامیانه‌ی به کار رفته در شعر دو شاعر، جمله‌ها و واژگان عامیانه با فراوانی (۳۰۸ مورد معادل ۴۱/۹۶٪ درصد) بیشترین بسامد را دارند و در مراتب بعد به ترتیب کنایه‌ها با فراوانی (۱۱۱ مورد معادل ۱۵/۱۲٪ درصد) در رتبه‌ی دوم، اعتقاد و باورها با بسامد (۱۰۷ مورد معادل ۱۴/۵۷٪ درصد) در جایگاه سوم، امثال و حکم با فراوانی (۹۴ مورد معادل ۱۲/۸۰٪ درصد) در رتبه‌ی چهارم، آداب و رسوم در شعر دو شاعر با بسامد (۶۰ مورد معادل ۸/۱۷٪ درصد) در جایگاه پنجم، افسانه‌ها با فراوانی (۳۲ مورد معادل ۴/۳۵٪ درصد) در رتبه‌ی ششم و در نهایت کمترین بسامد نیز متعلق به اعیاد و جشن‌ها با فراوانی (۲۲ مورد معادل ۲/۹۹٪ درصد) است. همچنین بر اساس جدول فوق می‌توان دریافت که عناصر عامیانه‌ای که در شعر هه‌ژار بیشتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند، به ترتیب عبارتند از: جمله‌ها و واژگان عامیانه با فراوانی (۳۰۸ مورد و معادل ۴۱/۹۶٪ درصد) در رتبه‌ی نخست،

کنایه‌ها با تعداد (۶۴ مورد معادل ۸/۷۱٪ درصد) در جایگاه دوم، آداب و رسوم با فراوانی (۵۳ مورد معادل ۷/۲۲٪ درصد) در رتبه‌ی سوم قرار گرفته‌اند و کمترین بسامد نیز مربوط به اعیاد و جشن‌ها با فراوانی (۱۹ مورد معادل ۲/۵۸٪ درصد) است. در اشعار نیما نیز ترتیب قرارگرفتن عناصر عامیانه بر مبنای فراوانی به شرح زیر است: رتبه‌ی نخست متعلق به جمله‌ها و واژگان عامیانه با بسامد (۱۰۷ مورد معادل ۱۴/۵۸٪) است، اعتقاد و باورها با فراوانی (۷۴ مورد معادل ۱۰/۰۷٪) در مرتبه‌ی دوم، امثال و حکم با تعداد (۵۵ مورد معادل ۷/۴۹٪) در رتبه‌ی سوم قرار دارد و اعیاد و جشن‌ها با فراوانی (۳ مورد معادل ۰/۴۱٪) کمترین بسامد را دارد؛ بنابراین نمودار جدول فوق به صورت زیر قابل ترسیم است:



## ۶- نتیجه‌گیری

آثار ادبی یکی از منابعی است که با مراجعه به آن‌ها می‌توان با فرهنگ عامه‌ی یک سرزمین آشنا شد در سرزمین ایران اقوام گوناگونی زندگی می‌کنند که هر کدام دارای فرهنگ خاص خود و آثار ادبی پرباری هستند که به دلیل زندگی آن‌ها در کنار یکدیگر، شباهت‌ها و تفاوت‌هایی از نظر فرهنگی و دیگر موارد با هم پیدا کرده‌اند. با بررسی تطبیقی شعر نیما و هه‌ژار در موضوع عناصر عامیانه چنین نتایجی به دست آمد که شعرای کرد در شعر کردی همپای شعر فارسی از عناصر عامیانه بهره گرفته و در برخی موارد از آن‌ها نیز پیشی گرفته‌اند تا جایی که در این بررسی مشخص شد که هه‌ژار با بهره‌گیری از (۴۳۷ مورد معادل ۵۹/۵۴٪ درصد) نسبت به میزان به‌کارگیری این عناصر در شعر نیما با (۲۹۷ مورد معادل ۴۰/۴۶٪ درصد) در سطح بالاتری قرار گرفته است. این فراوانی نشان می‌دهد هه‌ژار تمایل بیشتری به عناصر عامیانه داشته و در راستای قابل فهم کردن شعر خود از آن‌ها بهره برده است. در میان عناصر عامیانه‌ی به کار رفته در شعر دو شاعر، «جمله‌ها و واژگان عامیانه» با فراوانی (۳۰۸ مورد معادل ۴۱/۹۶٪ درصد)

بیشترین بسامد را دارد و کمترین بسامد نیز متعلق به «اعیاد و جشن‌ها» با فراوانی (۲۲ مورد معادل ۲/۹۹٪) است. عنصری که در شعر هر دو شاعر بروز چشمگیری دارد و اشتراک و توافق دو شاعر در این موضوع را مشخص می‌کند، «جمله‌ها و واژگان عامیانه» است که در شعر هه‌ژار با فراوانی (۲۰۱ مورد معادل ۲۷/۳۸٪) و در شعر نیما نیز با بسامد (۱۰۷ مورد معادل ۱۴/۵۸٪) در مرتبه‌ی نخست قرار دارد. «افسانه‌ها» و «اعیاد و جشن‌ها» نیز در شعر هر دو شاعر مورد کمترین توجه قرار گرفته‌اند و در مراتب پایانی جای دارند. نیما و هه‌ژار در مواردی با هم اختلاف دارند که بیشتر مربوط به اولویت عناصر عامیانه در شعر آن‌هاست و این موضوع از فراوانی این عناصر در شعر آن دو قابل اثبات است؛ از جمله این که ترتیب قرار گرفتن عناصر عامیانه در شعر هه‌ژار پس از «جمله‌ها و واژگان عامیانه» از مرتبه‌ی دوم تا ششم به این صورت است: کنایه، آداب و رسوم، امثال و حکم، اعتقاد و باورها و افسانه‌ها، در حالی که در شعر نیما اولویت دوم تا ششم این گونه است: اعتقاد و باورها، امثال و حکم، کنایه، آداب و رسوم و افسانه‌ها. هه‌ژار برای بیان افکار و اندیشه‌های خود بیشتر از زبان کنایی بهره برده است، فراوانی تعداد کنایات بیانگر و مؤید این موضوع است (۶۴ مورد معادل ۸/۷۱٪ درصد)، در حالی که نیما کمتر از این عنصر استفاده کرده و بیشتر به امثال و حکم روی آورده است.

## منابع

### فارسی:

- احمدی، ابراهیم (۱۳۹۳). *زیوه‌ری زمان*. سنندج: شمیم.
- انوری، حسن (۱۳۸۳). *فرهنگ کنایات سخن*، ۲ ج. تهران: سخن.
- انوشیروانی، علی‌رضا (۱۳۸۹). «ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران»، *ویژه‌نامه فرهنگستان (ادبیات تطبیقی)*، ش ۱، بهار.
- پارسا، سید احمد (۱۳۹۴). *بررسی تطبیقی امثال کردی و فارسی*. سنندج: چاپ دوم، دانشگاه کردستان.
- پناهی سمنانی، حسین (۱۳۸۱). «فرهنگ عامه». *نشریه‌ی دانش و مردم*. شماره‌ی دوم.
- جنتی عطایی، ابوالقاسم (۱۳۴۶). *نیما یوشیج زندگانی و آثار او*. تهران: چاپ دوم، صفی‌علیشاه.
- حدادزاده، نیلوفر (۱۳۹۰). *پایان‌نامه‌ی بررسی تأثیر متقابل فرهنگ عامیانه و شعر معاصر با محوریت نیما، شهریار، نصرت رحمانی*. دانشگاه قم، دانشکده ادبیات.
- دوستی، شهرزاد (۱۳۸۰). «گندم‌کاری در آیینة شعر عامیانه». *فصلنامه‌ی فرهنگی مردم/ایران*. شماره‌ی ۹، تابستان.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *امثال و حکم دهخدا*. تهران: چاپ دهم، سپهر.
- (۱۳۷۷). *دایره‌المعارف فارسی*. زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- رادفر، ابوالقاسم (۱۳۸۰). «جلوه‌گری فرهنگ عامه در ادبیات فارسی». *نامه‌ی فرهنگ*. شماره‌ی ۳.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۳). *در گستره‌ی فرهنگ*. تهران: اطلاعات.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۱). *نقد ادبی (ج ۱)*. تهران: چاپ سوم، امیرکبیر.
- شاملو، احمد (۱۳۷۷). *کوچه (آ-ح)*. تهران: چاپ دوم، مازیار.
- شریفی گلپایگانی، فرج‌الله (۱۳۷۶). *گزیده و شرح امثال و حکم دهخدا (ج ۱)*. تهران: حیدری.
- صدری افشار، غلامحسین و دیگران (۱۳۸۱). *فرهنگ معاصر فارسی*. تهران: چاپ سوم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- غنیمی هلال، محمد (۱۳۹۳). *لیلی و مجنون در ادبیات فارسی و عربی*. تهران: نشر نی.
- محبوب، محمدجعفر (۱۳۸۷). *ادبیات عامیانه ایران (ج ۲)*. تهران: چاپ چهارم، سرچشمه.

محسنی، مریم (۱۳۸۶-۸۷). «پری در شعر مولانا - دیدار با آنیما». فصلنامه علمی پژوهشی ادبیات عرفانی. دانشگاه الزهراء، ش ۶۹-۶۸، زمستان و بهار.

مردوخ روحانی (شیوا)، بابا (۱۳۸۲). تاریخ مشاهیر کرد: عرفا، علما، ادبا، شعرا (ج ۲). به کوشش محمد ماجد مردوخ روحانی. تهران: چاپ دوم، سروش.

مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۱). دائرةالمعارف فارسی. تهران: چاپ سوم، امیرکبیر.

معقول، حسن (۱۳۸۸). پایان نامه‌ی بازتاب فولکلور در شعر معاصر (نیما یوشیج، فروغ فرخزاد، اخوان ثالث و احمد شاملو). دانشگاه تربیت معلم، دانشکده ادبیات.

معین، محمد (۱۳۸۶). فرهنگ معین، ۲ ج، تهران: راه نو.

میرنیا، علی. (۱۳۷۸). فرهنگ مردم (فولکلور ایران). تهران: چاپ دوم، پارسا.

میهن دوست، محسن (۱۳۸۰). پژوهش عمومی فرهنگ عامه. تهران: توس.

نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی عامیانه. تهران: چاپ دوم، نیلوفر.

نفیسی، علی اکبر (۱۳۵۵). فرهنگ نفیسی ۵ ج. تهران: کتاب فروشی خیام.

یاحقی، محمدجعفر (۱۳۶۹). فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی. تهران: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.

یعقوبی بریجانی، جواد (۱۳۹۶). فرهنگ عامه (امثال) در اشعار نیما یوشیج. تهران: نگار تابان.

یوشیج، نیما (۱۳۹۳). مجموعه کامل اشعار نیما. به کوشش سیروس نیما یوشیج. تهران: چاپ سیزدهم، نگاه.

### کردی:

خال، محمدهد (۱۳۶۶). فرهنگ‌نگی خال. سلیمانی: به‌پویه‌برایه‌تی چاپ.

شهره‌فکندی، عابدولرهمان (۱۳۸۴). هه‌نبانه بورینه (فرهنگ‌نگی کوردی - فارسی). تاران: چاپی چوارم، سپیهر.

--- (۱۳۹۲). هه‌زار بو کوردستان. سنه: چاپی نوهم، ده‌زگای چاپه‌مه‌نی هه‌زار.